

راهکارهای مدیریت خروج سرمایه با رویکرد بهبود سرمایه‌گذاری برای تولید

زهره طهماسبی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با تأکید بر شعار سال ۱۴۰۴ مبنی بر «سرمایه‌گذاری برای تولید»، به بررسی ابعاد پدیده خروج سرمایه از اقتصاد ایران و پیامدهای آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی است که به‌رغم افزایش تولید ناخالص داخلی، حجم سرمایه‌گذاری ناکافی بوده و گسترش خروج سرمایه در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های اساسی در مسیر توسعه اقتصادی کشور تبدیل شده است. در این راستا، معضل خروج سرمایه نه تنها موجب کاهش منابع مالی در اقتصاد ملی می‌شود، بلکه با کاهش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری، ظرفیت‌های تولید را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده، عواملی مانند ضعف در نظارت، متغیرهای کلان اقتصادی، محدودیت‌های نهادی و ناطمبانی‌های سیاسی از جمله عوامل اصلی شکل‌گیری و تداوم این معضل هستند. از این‌رو در راستای مواجهه مؤثر با این چالش، اقداماتی مانند تقویت نظارت بر بازگشت ارز صادراتی، توسعه سامانه‌های یکپارچه رصد مالی و اصلاح متغیرهای کلان اقتصادی به‌عنوان راهکارهای کلیدی، نقش بسزایی در کنترل خروج سرمایه خواهند داشت؛ به‌گونه‌ای که با اجرای این تدابیر می‌توان به صیانت از دارایی‌های ارزی و تسهیل فرایندهای رشد و توسعه اقتصادی دست یافت.

واژگان کلیدی: خروج سرمایه، سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی.

مقدمه

در سال ۱۴۰۴، رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاه عمیق به شرایط اقتصادی کشور و در پی تأکیدات سال‌های گذشته بر نقش تولید در فرایند پیشرفت ملی، «سرمایه‌گذاری برای تولید» را به‌عنوان شعار سال برگزیدند. معظم‌له با بیان این حقیقت که «تولید آن وقتی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام بگیرد»، به تبیین جایگاه مهم سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور پرداختند. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری نه تنها ابزار اقتصادی، بلکه زیربنای تحول در معیشت عمومی و پیشرفت ملی است. در این چارچوب، فراهم آوردن زمینه‌های لازم توسط مردم و ورود فعالانه دولت به عرصه تولید برای مقابله با رکود، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی ضروری تلقی می‌شود. در مسیر دستیابی به این هدف، یکی از چالش‌هایی که مانع پیشرفت می‌شود، پدیده خروج سرمایه است. این پدیده در سال‌های اخیر بارها تشدید شده و به اشکال مختلفی بروز یافته است؛

در سال ۱۴۰۴، رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاه عمیق به شرایط اقتصادی کشور و در پی تأکیدات سال‌های گذشته بر نقش تولید در فرایند پیشرفت ملی، «سرمایه‌گذاری برای تولید» را به‌عنوان شعار سال برگزیدند. معظم‌له با بیان این حقیقت که «تولید آن وقتی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام بگیرد»، به تبیین جایگاه مهم سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور پرداختند. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری نه تنها ابزار اقتصادی، بلکه زیربنای تحول در معیشت عمومی و پیشرفت ملی است. در این چارچوب، فراهم آوردن زمینه‌های لازم توسط مردم و ورود فعالانه دولت به عرصه تولید برای مقابله با رکود، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی ضروری تلقی می‌شود. در مسیر دستیابی به این هدف، یکی از چالش‌هایی که مانع پیشرفت می‌شود، پدیده خروج سرمایه است. این پدیده در سال‌های اخیر بارها تشدید شده و به اشکال مختلفی بروز یافته است؛

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۱- رصد وضعیت موجود

۱-۱- روند سرمایه‌گذاری و تولید در کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام آغاز سال ۱۴۰۴، با تأکید بر مفهوم «سرمایه‌گذاری برای تولید»، بیان داشتند «تولید آن وقتی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام بگیرد... اگر سرمایه در راه تولید به کار رفت، دیگر به سمت کارهای مضر مثل خرید طلا، خرید ارز و امثال این‌ها نخواهد رفت» (دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۴۰۳). این سخن نه تنها یک توصیه اقتصادی، بلکه پاسخی به واقعیت نگران‌کننده‌ای است که در سال‌های اخیر بر اقتصاد کشور سایه افکنده است؛ واقعیتی که از شکاف عمیق و نگران‌کننده روند سرمایه‌گذاری و تولید حکایت دارد.

داده‌های آماری مربوط به بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ مطابق نمودار شماره ۱ نشان می‌دهند به‌رغم افزایش ۱۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری در همین دوره بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است. این ناهمخوانی میان رشد تولید و افت سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد افزایش تولید در سال‌های اخیر نه از مسیر تزریق سرمایه‌های جدید، بلکه عمدتاً از طریق بهره‌برداری از ظرفیت‌های پیشین و اتکا به منابع نفتی ایجاد شده است.

«نظارت جدی» و پیگیری مصرائه

رویه‌های پیمان‌سپاری ارزی یکی از

اساسی‌ترین راه‌ها در بازگشت ارز صادراتی

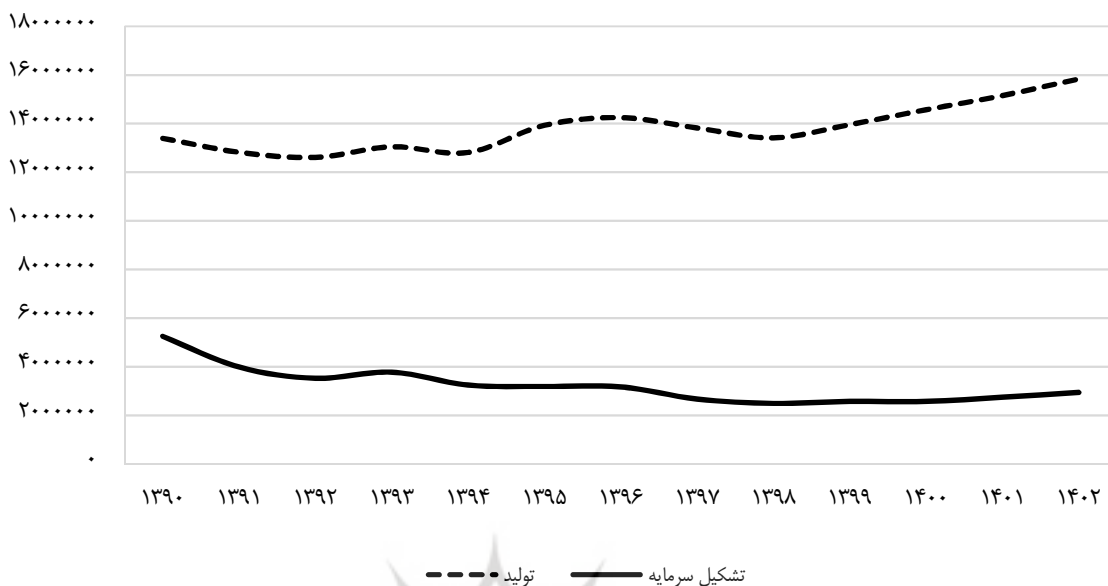
و به تبع آن کنترل خروج سرمایه است.

به‌گونه‌ای که عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات، سرمایه‌گذاری در خرید مستغلات در خارج از کشور و انتقال منابع مالی از طریق ارزهای دیجیتال مثال‌هایی رایج از مصادیق این معضل هستند. این اشکال از خروج سرمایه نه تنها منجر به کاهش منابع مالی در اقتصاد و تضعیف توان تولیدی در کشور می‌شود، بلکه به‌طور مستقیم بر رقابت‌پذیری تولید داخلی نیز اثر منفی می‌گذارد. افزون‌براین، در شرایط جنگ اقتصادی کنونی، دارایی‌های ارزی، ماهیتی فراتر از دارایی شخصی و «خصوصی» دارند و به‌عنوان منابع «ملی» و «راهبردی» برای کشور شناخته می‌شوند. ازاین‌رو حفاظت از این دارایی‌ها در چنین شرایطی، اهمیتی دوچندان دارد و نیازمند توجه ویژه و اقدام جدی است. در چنین بستری، مدیریت خروج سرمایه در تحقق شعار سال و هدایت منابع مالی به سمت تولید، بیش از هر زمان دیگر ضرورت حیاتی دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد گوناگون پدیده خروج سرمایه و تحلیل علل شکل‌گیری آن، می‌کوشد چارچوبی تحلیلی در راستای مدیریت بهینه سرمایه فراهم آورد. هرچند ماهیت غیررسمی جریانات خروج سرمایه موجب عدم دسترسی به داده‌های جامع شده، با بهره‌گیری از اطلاعات در دسترس، سعی در مصورسازی واقعیت موجود شده است. در ادامه، ضمن بررسی وضعیت موجود، به تبیین تأثیرات خروج سرمایه بر سرمایه‌گذاری و تولید پرداخته می‌شود. در انتها نیز ضمن بیان بررسی دلایل معضل خروج سرمایه و ملاحظات امنیتی در آن، راهکارهای سیاستی مدنظر ارائه خواهد شد.





نمودار ۱- روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت ثابت ۱۳۹۵ (میلیارد ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲.

۱-۲- روند خروج سرمایه در اقتصاد کشور

خالص حساب سرمایه، تفاوت ورود و خروج سرمایه در کشور است و آمار منفی در این متغیر، تقریباً^۱ مناسبی از خروج سرمایه و منابع مالی در کشور است. بر اساس آمارهای رسمی و منتشرشده از این متغیر در بانک مرکزی، ایران در سال‌های متوالی با خالص حساب سرمایه منفی و خروج سرمایه از کشور مواجه بوده است. افزون‌بر خروج سرمایه از مبادی رسمی، به طرق غیررسمی نیز مانند بازار غیررسمی ارز، رمزارزها و دیگر روش‌های فرار سرمایه، منابع مالی از کشور خارج شده‌اند، اما آمار و اطلاعاتی از آن در دسترس نیست. بر اساس آمارهای موجود، از سال ۱۳۵۷ تا به اکنون بر اثر عواملی مانند انقلاب، جنگ،

به‌طور مشخص، آمارهای رسمی گواه هستند که از سال ۱۳۹۸ تاکنون، تولید ناخالص داخلی از رقم ۱۳۴۱ هزار میلیارد تومان به بیش از ۱۵۸۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. میزان تشکیل سرمایه ثابت نیز در روندی صعودی، رشدی معادل با ۱۸ درصد داشته است. این رشد اندک در سرمایه‌گذاری آن هم بدون کسر استهلاک، به‌روشنی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر به‌هیچ‌وجه متناسب با الزامات تحقق رشد ۸ درصدی مدنظر در برنامه‌های توسعه‌ای نیست و لازم است با اتخاذ سیاست‌های کارآمد، بسترهای لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری فراهم شود.

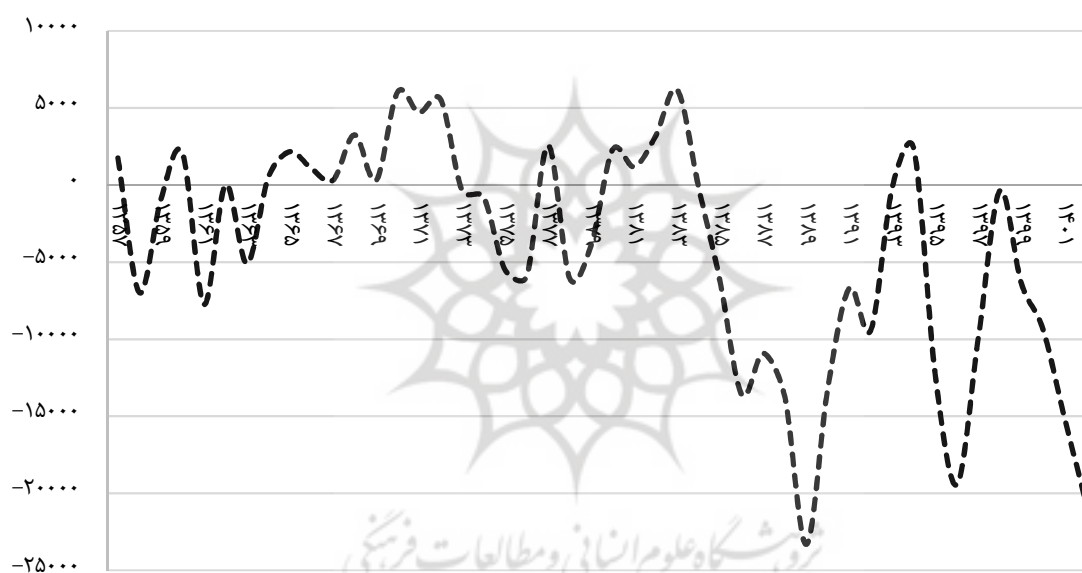
۱. باید توجه داشت به دلیل ارتباط میان حساب جاری، حساب مالی و حساب سرمایه، نسبت دادن کل عدد خالص حساب سرمایه به خروج سرمایه، اشتباهی بنیادین از فهم ادبیات تراز پرداخت‌هاست. با این حال، به دلیل ضعف منابع اطلاعاتی در این حوزه می‌توان به تقریب، به آمار این متغیر در خصوص خروج سرمایه استناد کرد.

سرمایه به ترتیب به ارقام منفی ۷۷۳۰ و منفی ۵۱۰۲ میلیون دلار رسید که نشانی از عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در این دوران بود. با این حال، در انتهای این دهه و با نزدیک شدن به پایان جنگ، زمینه‌های بهبود نسبی و ورود سرمایه با سیاست‌های توسعه‌ای و بازسازی کشور فراهم شد.

تحریم‌ها و عوامل اقتصادی، نوسانات شدیدی در این متغیر ایجاد شده است.

طبق نمودار شماره ۲، در دوره بحران جنگ در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۳، خروج سرمایه به دلایل اقتصادی، سیاسی و شرایط جنگی شدت گرفت. در این سال‌ها با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری‌های داخلی و افزایش هزینه‌های سرمایه، خالص حساب

نمودار ۲- روند خالص حساب سرمایه در اقتصاد ایران منتهی به دوره ۱۴۰۲-۱۳۵۷ (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1402.

منفی ۵۹۲۰، منفی ۶۰۴۳ و منفی ۳۸۸۹ میلیون دلار رسید.

دهه ۱۳۸۰، با افزایش قیمت جهانی نفت و افزایش درآمدهای ارزی آغاز شد، اما اتکا به منابع ارزی باعث شد تا اقتصاد همچنان در برابر شوک‌های بین‌المللی آسیب‌پذیر بماند. از سال ۱۳۸۶، هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها و تنش‌های هسته‌ای، خروج گسترده‌ای از سرمایه اتفاق افتاد؛ به گونه‌ای که در سال

در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰، همگام با بازسازی اقتصاد و تقویت تولیدات داخلی، ورود محدود سرمایه به کشور انجام شد. با این حال، در نیمه دوم این دهه، همراه با بی‌ثباتی‌های نرخ ارز و تورم‌های دورقمی، اعتماد عمومی به اقتصاد داخلی تحت تأثیر قرار گرفت و زمینه‌ساز خروج سرمایه از کشور شد. در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، مقادیر خالص حساب سرمایه به ترتیب به ارقام منفی ۵۵۰۸،



روند خروج سرمایه از کشور اثرگذار بوده است. این در حالی است که باید به این مسئله توجه داشت در کنار اثرگذاری این عوامل بر خروج سرمایه، چرخه‌ای معیوب نیز ایجاد می‌شود؛ به گونه‌ای که در گام بعدی، خروج سرمایه نیز بر این عوامل اثرگذار است و زمینه‌های افزایش مجدد نرخ ارز و کاهش بیشتر در ارزش پول ملی را ایجاد می‌کند.

۲- تأثیر خروج سرمایه بر سرمایه‌گذاری

معضل خروج سرمایه از اقتصاد تنها به معنای افت منابع مالی در گردش نیست، بلکه بازتابی از کاهش تدریجی اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به ظرفیت‌های اقتصاد داخلی است. این روند، نه رویدادی مقطعی و نه حاصل تصمیمات فردی، بلکه نمودی از بحرانی عمیق و پایدار است. در نگاه نخست که وجه ظاهری از این بحران است، فرار سرمایه جریان حیاتی تأمین مالی برای بخش‌های مولد اقتصادی را مختل می‌سازد؛ سرمایه‌ای که می‌توانست در توسعه زیرساخت‌ها و نوسازی صنایع نقش‌آفرینی داشته باشد.

افزون‌براین، آثار خروج سرمایه بر بازار ارز و ساختار هزینه‌ای تولید نیز اثرگذار است. خروج سرمایه، فشار مستقیم بر نرخ ارز وارد می‌سازد و موجب تضعیف ارزش پول ملی می‌شود. این وضعیت به‌ویژه در اقتصادهایی که وابستگی بالایی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دارند، منجر به جهش هزینه‌های تولید، عدم نوسازی صنایع و کاهش بهره‌وری سرمایه می‌شود. به بیان دیگر، حتی

۱۳۸۶، خروج سرمایه با مقدار منفی ۱۳۵۹۶ میلیون دلار ثبت شد. با ادامه این روند و اعمال تحریم‌های گسترده در سال ۱۳۸۹، این رقم به اوج خود و مقدار منفی ۲۳۳۱۹ میلیون دلار رسید.

دهه ۱۳۹۰ یکی از بحرانی‌ترین دهه‌های اقتصادی کشور به لحاظ میانگین رشد اقتصادی صفر و وضعیت بحرانی در متغیرهای مهم اقتصاد کلان بود. این دهه تحت تأثیر تحریم‌های بی‌سابقه، کاهش شدید ارزش ریال و افت صادرات نفت آغاز شد. هرچند در سال‌های میانی این دهه، امضای برجام امیدواری‌هایی برای جذب سرمایه خارجی ایجاد کرد، این روند چندان پایدار نبود و با خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷، روند تحریم‌ها و خروج سرمایه دوباره شدت گرفت. در این دوره، افزایش تورم و کاهش شدید ارزش پول ملی به‌عنوان عوامل کلیدی موجب منفی شدن مستمر خالص حساب سرمایه شدند. این روند همچنان در سال ۱۴۰۰ نیز ادامه‌دار بود؛ به گونه‌ای که در این دهه نیز همچنان بحران‌های ارزی، کسری بودجه دولت و کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ادامه داشت. مشکلات ساختاری اقتصاد کشور و خروج سرمایه به کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه و امارات باعث شد تا حساب سرمایه در پایان سال ۱۴۰۲، به رقم منفی ۲۰۵۵۷ میلیون دلار برسد.

درمجموع، آمارهای حساب خالص سرمایه در ایران نشان می‌دهند آثار منفی عوامل داخلی و خارجی مانند بحران‌های ارزی، دوره‌های تورمی، رکود اقتصادی و نیز تحریم‌های بین‌المللی بر



موجود، این موارد به شکلی پرننگ اعمال اثر داشته‌اند. در این راستا و برای فهم مسئله، به اهم دلایل ایجاد این معضل در سال‌های اخیر پرداخته خواهد شد.

۳-۱- عدم نظارت مؤثر

از جمله عوامل اساسی در خروج منابع ارزی، ضعف در نظارت مؤثر و کارآمد سیاست‌گذاران اقتصادی بر فرایند ارزی و صادراتی است. این نقصان به‌ویژه در سال‌های اخیر که کشور با مسائل اقتصادی، سیاسی و تحریم‌ها مواجه بوده، نقش پررنگ‌تری در خروج منابع ارزی به‌صورت رسمی و غیررسمی داشته است. این در حالی است که به‌ویژه در دو دهه اخیر با چالش‌های یادشده به همراه مسئله افزایش نرخ ارز، انگیزه عاملان اقتصادی برای انتقال منابع مالی به خارج از کشور افزایش یافته و «تمایل» به خروج سرمایه تقویت شده است.

عدم نظارت مؤثر توسط سیاست‌گذاران اقتصادی بر خروج سرمایه سبب شده است در کنار تمایل، «توانایی» لازم نیز برای فعالان اقتصادی ایجاد شود و در نبود بستر نظارتی مؤثر، به خروج منابع ارزی که از جمله دارایی‌های ملی و راهبردی کشور شناخته می‌شوند، قادر شوند و به سرمایه‌گذاری در بازارهای خارجی مبادرت ورزند.

در این خصوص، بنا بر اعلام نماینده محترم شهر اهواز در مجلس شورای اسلامی، آمارها بیان می‌کنند تنها در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۷، رقمی معادل با ۷ میلیارد دلار ارز با هدف سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات ترکیه، از کشور خارج شده

سرمایه‌گذاری‌هایی که همچنان در اقتصاد باقی مانده‌اند، در نتیجه محدودیت‌های فناورانه و هزینه‌های بالا، بازدهی خود را از دست می‌دهند و در چرخه‌ای معیوب گرفتار می‌شوند.

با این حال، عمیق‌ترین تاثیر خروج سرمایه در سطح نهادی بروز خواهد کرد. در این سطح، خروج سرمایه نشست‌گرفته از تصمیم آگاهانه صاحبان سرمایه است؛ تصمیمی که ریشه در بی‌اعتمادی به شرایط اقتصادی، نبود حقوق مالکیت و افق مبهم سیاست‌گذاری دارد. در چنین شرایطی، منطق سرمایه از «خلق ارزش» به سوی «حفظ ارزش» تغییر مسیر می‌دهد؛ نوعی تغییر در رفتار سرمایه‌گذاران که منجر به کناره‌گیری از فعالیت‌های تولیدی و حرکت به سمت بازارهای امن‌تر و سودآورتر می‌شود. این چرخش رفتاری، عدم سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد و درنهایت، به رکود اقتصادی و انحراف از مسیر توسعه اقتصادی منجر می‌شود.

۳- دلایل خروج سرمایه

خروج سرمایه در دهه‌های متمادی همواره یکی از معضلات اقتصاد ایران بوده است. این در حالی است که در دو دهه اخیر، بیشترین مقادیر از خروج سرمایه در کشور اتفاق افتاده است؛ به‌گونه‌ای که تنها در سال ۱۴۰۲، مقدار ۲۰۵۵۷ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده است. در خصوص دلایل ایجادکننده موج‌های بحرانی، این دلایل همواره در اقتصاد وجود داشته‌اند، اما در برخی برهه‌ها در کنار دیگر آثار اقتصادی و سیاسی





محرك‌ها نقش حیاتی بر عهده دارند. نخستین عامل، تورم دورقمی (بالای ۳۰ درصد) و مزمن در اقتصاد ایران است که در سال‌های اخیر از آستانه تحمل اقتصادی عبور و با کاهش ارزش واقعی پول ملی، امنیت دارایی‌های ریالی را تضعیف کرده است. چنین شرایطی باعث افزایش انتظارات تورمی در میان فعالان اقتصادی شده است. تداوم این وضعیت باعث می‌شود نگهداشت سرمایه در داخل کشور با ریسک‌های بالایی همراه باشد و خروج سرمایه به‌عنوان واکنش طبیعی در برابر نااطمینانی‌های به‌وجودآمده تلقی شود. در کنار تورم، نوسانات مستمر نرخ ارز نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی، فضای تصمیم‌گیری اقتصادی را به‌شدت آشفته کرده است. تغییر نرخ ارز از ۲۶۰۰ تومان در سال ۱۳۹۱ به بیش از ۹۷ هزار تومان در انتهای سال ۱۴۰۳، نه‌تنها از ضعف در سیاست‌گذاری ارزی پرده برداشته، بلکه موجب کاهش سرمایه‌گذاری شده است. این نوسانات با افزایش ریسک‌های مربوط به پیش‌بینی سودآوری طرح‌ها، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری داخلی را تضعیف می‌کند و موجب تشویق انتقال سرمایه به فعالیت‌های سوداگرانه و حتی انتقال به بازارهای خارجی می‌شود. در سطح کلان‌تر، رکود اقتصادی نیز در این فرایند به‌عنوان عامل ساختاری به شمار می‌آید (Cheung et al, 2016). اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰، در پی تحریم‌ها، افت سرمایه‌گذاری و اختلال در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، دچار رکود مزمن شد. میانگین رشد نزدیک به صفر در این

است (العین نیوز، ۲۰۲۱). افزون‌براین، ضعف در نظارت بر بازگشت ارز توسط صادرکنندگان و عدم پیگیری مصرانه توسط نهاد ناظر بر پیمان‌سپاری‌های ارزی نیز یکی دیگر از این دست چالش‌هاست. طبق جدیدترین آمارها نیز در خصوص خروج سرمایه از مدخل رمزارزها در سال ۲۰۲۴، رقمی معادل با ۴ میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار، خروج سرمایه از این طریق رخ داد که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته آن، ۷۰ درصد افزایش داشته است (ایران بروکر، ۱۴۰۳). این موضوعات ازجمله مصادیق بارز خروج سرمایه از کشور است و بیان‌کننده ضعف در نظارت و نبود سیاست‌های کنترلی مناسب در خصوص این معضل است. بنابراین، لازم است از این منظر سیاست‌گذاران اقتصادی توجهات لازم را داشته باشند.

داده‌های آماری مربوط به بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهند به‌رغم افزایش ۱۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری در همین دوره بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است.

۲-۳- ضعف در متغیرهای کلان اقتصادی

در میان متغیرهای تأثیرگذار بر خروج سرمایه، عوامل اقتصادی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین



دهه، همراه با کاهش ظرفیت تولید و ضعف بهره‌وری، چشم‌انداز سودآوری را در داخل کشور تیره کرده و خروج سرمایه را به واکنشی محافظه‌کارانه اقتصادی تبدیل کرده است. در سال‌های اخیر رشد اقتصادی تا حدودی بهبود یافته، اما همچنان فاصله معناداری میان رشد کنونی با اهداف برنامه‌های توسعه‌ای در اقتصاد موجود است (جدول شماره ۱).

جدول ۱- وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی (۱۳۹۱-۱۴۰۳)

سال	تورم	نرخ ارز (ریال)	درصد رشد اقتصادی (سال پایه ۱۴۰۰)
۱۳۹۱	۳۲/۷	۲۶۰۵۹	-۸/۴
۱۳۹۲	۳۶/۱	۳۱۸۳۹	-۱/۳
۱۳۹۳	۱۳/۷	۳۲۸۰۱	۱/۴
۱۳۹۴	۱۰/۶	۳۴۵۰۱	-۱
۱۳۹۵	۷/۲	۳۶۴۴۰	۱۳/۱
۱۳۹۶	۸/۸	۴۰۴۵۳	۶/۱
۱۳۹۷	۲۸/۱	۱۰۸۳۵۹	-۴/۵
۱۳۹۸	۳۷/۳	۱۲۹۷۸۵	-۵/۱
۱۳۹۹	۳۷/۷	۲۳۰۶۸۷	-۰/۹
۱۴۰۰	۴۲/۸	۲۶۳۱۹۳	۳/۷
۱۴۰۱	۵۰/۶	۳۴۹۲۶۶	۳/۶
۱۴۰۲	۴۰/۶	۴۳۴۰۰۰	۴/۶
۱۴۰۳	۳۲/۵	۹۷۷۸۰۰	۴/۱

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳.

۳-۳- نااطمینانی سیاسی و تحریم‌ها

نااطمینانی‌های سیاسی در کنار تحریم‌های اقتصادی، دو عاملی هستند که از طریق افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، ایجاد بی‌ثباتی و عدم پیش‌بینی‌پذیری در کشور، از جذب سرمایه‌گذاری خارجی ممانعت می‌کنند و موجب خروج سرمایه از کشور می‌شوند. نااطمینانی سیاسی معمولاً زمانی بروز می‌کند که سرمایه‌گذاران قادر به پیش‌بینی وضعیت آینده سیاست‌ها، قوانین و ثبات داخلی

آمارهای حساب خالص سرمایه در ایران نشان می‌دهند آثار منفی عوامل داخلی و خارجی مانند بحران‌های ارزی، دوره‌های تورمی، رکود اقتصادی و نیز تحریم‌های بین‌المللی بر روند خروج سرمایه از کشور اثرگذار بوده است.



حیدری، مقدادی و سحابی (۱۴۰۲)، در پژوهش خود بر این نکته تأکید دارند که فساد بالا و ضعف نهادهای اقتصادی، انگیزه سرمایه‌گذاران را برای انتقال دارایی خود به کشورهای با حکمرانی مطلوب افزایش می‌دهد.

وضعیت ایران بر اساس آخرین آمارهای سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۲۳، نمایی از چالش‌های جدی در ادراک فساد - به عنوان یکی از چندین عامل مؤثر در حکمرانی خوب - را نمایش می‌دهد؛ بطوریکه بر اساس این آمار، ایران با امتیاز ۲۴ از ۱۰۰، در رتبه ۱۴۹ از میان ۱۸۰ کشور قرار گرفته است. همچنین، بر اساس آمارهای بانک جهانی، ایران با اخذ رنکینگ ۱۰/۳۷، در زمینه کنترل فساد در زمره ضعیف‌ترین کشورها قرار دارد. به این معنا که تنها ۱۰ درصد از کشورهای جهان عملکردی ضعیف‌تر از ایران در این زمینه داشته و ۹۰ درصد دیگر کشورها، عملکرد بهتری داشته‌اند. این آمار نشان‌دهنده ضعف‌های ساختاری، شفافیت پایین در نهادهای دولتی و ناکارآمدی در مقابله با فساد مالی و اداری است.

خروج سرمایه، فشار مستقیم بر نرخ ارز وارد می‌سازد و موجب تضعیف ارزش پول ملی می‌شود. این وضعیت به‌ویژه در اقتصادهایی که وابستگی بالایی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دارند، منجر به جهش هزینه‌های تولید، عدم نوسازی صنایع و کاهش بهره‌وری سرمایه می‌شود.

کشور نباشند. چنین شرایطی به‌طور خودکار محیطی غیرقابل اعتماد برای سرمایه‌گذاری بلندمدت ایجاد می‌کند. این موضوع سرمایه‌گذاران را نه تنها به احتیاط بیشتر، بلکه حتی به خروج سرمایه از کشور سوق می‌دهد.

مطالعات نشان داده‌اند میان نااطمینانی سیاسی و افزایش خروج سرمایه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که در مواجهه با نزاع‌های داخلی هستند، ارتباط مثبت و مستقیمی وجود دارد. این نااطمینانی‌ها ذیل مواردی مانند تغییر ناگهانی در سیاست‌ها، بی‌ثباتی‌های سیاسی و منازعات داخلی جای می‌گیرند.

در بررسی وضعیت اقتصاد ایران، کشور در دهه‌های ۱۳۸۰ و نیز ۱۳۹۰، تحت تأثیر تحریم‌های متعدد نفتی، مالی و بانکی بوده است. با این حال، از سال ۱۳۹۷ و با خروج آمریکا از برجام، ایران تحت شدیدترین تحریم‌های موجود قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که از این سال به علت تحریم‌های بین‌المللی و نااطمینانی سیاسی موجود، موجی از خروج سرمایه در کشور ایجاد شده است.

۳-۴- عوامل نهادی و فضای کسب‌وکار

بر اساس پژوهش‌های تجربی به‌دست‌آمده، کیفیت حکمرانی، سطح فساد و شفافیت اقتصادی از طریق ایجاد اعتماد عمومی و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها بر کنترل خروج سرمایه دخیل هستند. این در حالی است که کشورهای با فساد گسترده، ضعف نهادی و رویه‌های اداری نامطلوب با نرخ‌های بالاتر خروج سرمایه مواجه هستند.



برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای بنگاه‌ها را دشوار می‌سازد. چالش دیگر، دشواری در تأمین مالی از بانک‌هاست که به‌ویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط محدودیت‌هایی اساسی در اخذ تسهیلات و اعتبارات ایجاد کرده است. سومین چالش نیز بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و رویه‌های اجرایی است که با ایجاد عدم اطمینان در زمینه قوانین و رویه‌های تجاری، مانع اتخاذ تصمیمات بلندمدت در سرمایه‌گذاری‌ها شده است.

ازجمله عوامل اساسی در خروج منابع ارزی، ضعف در نظارت مؤثر و کارآمد سیاست‌گذاران اقتصادی بر فرایند ارزی و صادراتی است. این نقصان به‌ویژه در سال‌های اخیر که کشور با مسائل اقتصادی، سیاسی و تحریم‌ها مواجه بوده، نقش پررنگ‌تری در خروج منابع ارزی به‌صورت رسمی و غیررسمی داشته است.

۴- ملاحظات امنیت اقتصادی

خروج سرمایه معضلی است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیرات عمیقی بر امنیت اقتصادی کشورها خواهد داشت. از منظر کوتاه‌مدت، خروج سرمایه با کاهش در منابع ارزی، توانایی بانک مرکزی در مدیریت نرخ ارز را محدود می‌سازد. چنین اثری با تضعیف ارزش پول ملی در اقتصاد وابسته به واردات مانند اقتصاد ایران، افزایش تورم وارداتی و هزینه‌های تولید را به دنبال خواهد داشت. در ادامه و با آثار تورمی موجود، قدرت خرید جامعه نیز کاهش خواهد داشت و به رکود اقتصادی منجر خواهد شد. در کنار کمبود منابع سرمایه‌ای، هزینه‌های استقراض و نرخ بهره نیز روند افزایشی را در پیش خواهد گرفت و مجموع این عوامل باعث می‌شود در کوتاه‌مدت به رشد اقتصادی ضرباتی جدی وارد شود.

در بلندمدت خروج سرمایه، به‌منزله کاهش اعتماد فعالان اقتصادی به ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور

ازجمله دیگر عوامل کلیدی مؤثر بر کنترل خروج سرمایه، بهبود فضای کسب‌وکار است. در این راستا، تضمین حقوق مالکیت، دسترسی به منابع مالی و کاهش رویه‌های بوروکراتیک ازجمله موارد اساسی و مهم هستند. در این خصوص، آمارهای منتشرشده از مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار کشور در بهار ۱۴۰۳ نشان می‌دهد این شاخص نمره ۶/۰۴ (در مقیاس ۰ تا ۱۰ که عدد ۱۰ نشان‌دهنده بدترین وضعیت است) را به خود اختصاص داده است. این نمره مشابه وضعیت فصل گذشته (زمستان ۱۴۰۲) بوده و نشان‌دهنده عدم تغییر قابل توجه در شرایط محیط کسب‌وکار کشور است. نتایج ارزیابی به سه چالش مهم تأکید داشته‌اند.

نخست، عدم پیش‌بینی و نوسانات عدیده در قیمت مواد اولیه و محصولات است که با تشدید بی‌ثباتی در فرایندهای تولید و تجارت،





افزایش مستمر تورم، جهش‌های نرخ ارز، فساد ساختاری و نبود محیط امن برای سرمایه‌گذاری ازجمله عوامل کلیدی هستند که سبب شده‌اند سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، مسیرهای امن‌تری را در خارج از مرزها جست‌وجو کنند. این خروج سرمایه، آثار چندگانه‌ای بر اقتصاد بر جا گذاشته است. کاهش منابع ارزی، افزایش نرخ ارز، تضعیف سرمایه‌گذاری و تولید و انحراف مسیر توسعه اقتصادی کشور ازجمله بارزترین این موارد هستند. در ادامه، ذیل مبحث پایانی، راهکارهایی برای کنترل این مهم و کاهش خروج سرمایه از کشور ارائه می‌شود.

- نظارت و مدیریت جامع بازگشت ارز صادراتی: «نظارت جدی» و پیگیری مصرانه رویه‌های پیمان‌سپاری ارزی و نیز ابطال پروانه بازرگانی بنگاه‌های خاطی توسط بانک مرکزی، گمرک و نیز وزارت صمت، یکی از اساسی‌ترین راه‌ها در بازگشت ارز صادراتی و به تبع آن کنترل خروج سرمایه است. در کنار این مورد، لازم است اقدامات تنبیهی و بازدارنده مانند لغو مجوز صادراتی، محرومیت از تسهیلات بانکی، جریمه‌های تصاعدی بسته به میزان دیرکرد، محدودسازی خوراک برای پتروشیمی‌های خاطی و مالیات‌های تصاعدی به‌منظور مقابله با تخلفات به‌صورت جدی پیگیری شود. مشوق‌های انگیزشی نیز می‌توانند در تشویق بازگشت ارز حاصل از صادرات نقش مهمی داشته باشند. تسهیلات گمرکی، تخفیف‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی و

خواهد بود. افزون‌براین، این معضل به‌موازات کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد داخلی، تشکیل سرمایه را کاهش خواهد داد و موجب تضعیف زیرساخت‌های داخلی و نیز بهره‌وری خواهد شد. مجموع این عوامل باعث انحراف مسیر توسعه اقتصادی در کشور خواهد شد. برای پیشگیری و مدیریت صحیح این رویه، تقویت فرایندهای نظارتی و حکمرانی قانون، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری و بهبود شفافیت اقتصادی ضروری خواهد بود.

نااطمینانی‌های سیاسی در کنار تحریم‌های اقتصادی، دو عاملی هستند که از طریق افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، ایجاد بی‌ثباتی و عدم پیش‌بینی‌پذیری در کشور، از جذب سرمایه‌گذاری خارجی ممانعت می‌کنند و موجب خروج سرمایه از کشور می‌شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

پدیده خروج سرمایه در اقتصاد ایران، نه یک اتفاق مقطعی، بلکه بازتابی از ضعف اقتصادی، بی‌ثباتی‌های سیاسی و عوامل نهادی است. درحالی‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۴، سرمایه‌گذاری برای تولید را به‌عنوان محور پیشرفت ملی معرفی کردند، تداوم روند خروج سرمایه نشان می‌دهد که اقتصاد کشور نه تنها در جذب سرمایه، بلکه حتی در حفظ سرمایه‌های موجود نیز ناکام مانده است.



مؤثری در ایجاد ثبات در نرخ ارز و ارتقای پیش‌بینی‌پذیری برای فعالان اقتصادی خواهد داشت. همچنین، مدیریت پایدار کسری بودجه دولت از طریق کاهش هزینه‌های غیرضروری، اصلاح نظام مالیاتی و ارتقای شفافیت در نظام مالی کشور می‌تواند به ایجاد تعادل در سیاست‌های مالی منتهی شود. از سوی دیگر، تقویت رشد اقتصادی از مسیر هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و ارتقای بهره‌وری، زمینه‌ساز حفظ سرمایه در داخل کشور است.

- اعمال محدودیت‌های هدفمند بر خروج ارزی:
ازجمله اقدامات مؤثر در این راستا، اعمال محدودیت‌های حجمی بر حواله ارزی و نیز ارز مسافرتی برای افراد حقیقی و حقوقی توسط بانک مرکزی است. افزون‌براین، شناسایی و مسدودسازی مبادی غیرقانونی خروج ارز مانند کیف پول‌های فاقد مجوز و صرافی‌های غیرمجاز - با همکاری بانک مرکزی و دیگر ارگان‌ها مانند مرکز اطلاعات مالی - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

درحالی‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۴، سرمایه‌گذاری برای تولید را به‌عنوان محور پیشرفت ملی معرفی کردند، تداوم روند خروج سرمایه نشان می‌دهد که اقتصاد کشور نه‌تنها در جذب سرمایه، بلکه حتی در حفظ سرمایه‌های موجود نیز ناکام مانده است.

پشتیبانی از صادرات ازجمله مشوق‌های برانگیزاننده در بازگشت ارز حاصل از صادرات برای صادرکنندگان هستند.

- سامانه ملی رصد و پایش تراکنش‌های کلان:
ایجاد سامانه جامع رصد و پایش یکپارچه سرمایه (اتصال میان‌شبکه‌ای حوزه‌های بانکی، مالی، اقتصادی، مالیاتی و گمرکی به یکدیگر) به‌ویژه در زمینه تراکنش‌های کلان و ارزی با همکاری مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پول‌شویی، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، گمرک و سازمان امور مالیاتی می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود شفافیت اقتصادی و ارتقای کارایی نظام مالی کشور داشته باشد. این سامانه با اتصال نهادهای بانکی، گمرکی، مالیاتی و دیگر نهادهای ذی‌ربط، امکان شناسایی و مسدودسازی تراکنش‌های مشکوک را فراهم می‌آورد تا از هرگونه سوءاستفاده جلوگیری و امنیت اقتصادی کشور حفظ شود.

- بهبود متغیرهای کلان اقتصادی: یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای جلوگیری از تداوم خروج سرمایه، بهبود مؤلفه‌های اقتصاد کلان به‌ویژه مهار تورم و کنترل انتظارات تورمی است. در این راستا، استقلال بانک مرکزی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های پولی، مهار جهش‌های ارزی در کنار کنترل نقدینگی و جلوگیری از تأمین مالی دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی ازجمله راهکارهای اساسی به‌شمار می‌آیند. در کنار این موارد، استقرار نظام ارزی با دامنه نوسانات مدیریت‌شده با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند قراردادهای آتی ارزی و پیمان‌های پولی دوجانبه، نقش





ترغیب به حضور سرمایه‌های خارجی نقش بسزایی خواهد داشت. افزون‌براین، تضمین سود در طرح‌های زیرساختی به‌منظور جذب سرمایه‌گذار خارجی یکی دیگر از راه‌هاست. در این روش، دولت با استفاده از نهادهای مالی معتبر مانند صندوق‌های تضمین سرمایه در بازارهای مالی، ریسک سرمایه‌گذاری را حتی با وجود فضای تورمی و شرایط عدم ثبات کاهش می‌دهد و با ایجاد اطمینان در سرمایه‌گذاران خارجی زمینه‌ساز بازگشت سرمایه به کشور خواهد شد.

- بهبود فضای کسب و کار: ازجمله اقدامات بنیادین در این زمینه، ساده‌سازی و حذف بوروکراسی زائد در فرایندهای اداری توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان ثبت شرکت‌هاست. این در حالی است که فرایند زمان‌بر برای ثبت شرکت، اخذ مجوز و امور مالیاتی در کنار افزایش هزینه‌های مالی و زمانی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در افراد را نیز کاهش می‌دهد. دیجیتالی‌سازی رویه‌ها و راه‌اندازی سامانه‌های شفاف و کارآمد می‌تواند با کاهش هزینه‌های زمانی برای سرمایه‌گذاران، مانع خروج منابع مالی از کشور شود. حمایت ویژه از استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای نوپا و کوچک، یکی دیگر از محورهای مهم برای ایجاد فضایی جذاب برای سرمایه‌گذاری است. ارائه تسهیلات مالی، مشوق‌های قانونی و دسترسی به زیرساخت‌های مناسب برای رشد این کسب و کارها باعث می‌شود سرمایه‌های داخلی به سمت فعالیتهای نوآورانه هدایت شوند و در داخل کشور باقی بمانند.

- مدیریت صحیح ریسک‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی: برای کنترل خروج سرمایه، توجه به ریسک‌های سیاسی داخلی و خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص، ضروری است با پیگیری‌های وزارت امور خارجه و نیز شورای عالی امنیت ملی با استفاده از کاهش تنش‌ها و تحریم‌ها و ارتقای تعاملات بین‌المللی، ثبات سیاسی در کشور ایجاد شود. افزون‌بر این مسئله، ثبات در سیاست‌های داخلی و جلوگیری از تغییرات ناگهانی با همکاری نهادهای متولی مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان توسعه تجارت، مجلس شورای اسلامی و...، برای بهبود فضای سیاسی داخلی و جلب اطمینان سرمایه‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به موازات این مورد، تقویت ساختارهای نهادی و بهبود کارآمدی نهادهای اجرایی و قانونی ازجمله راهکارهای برقراری ثبات در شرایط سیاسی کشور است. به‌منظور کاهش ریسک‌های سیاسی لازم است تقویت سیستم قضایی، اجرای اصول قانونی به‌ویژه در زمینه حقوق مالکیت معنوی، حکمرانی خوب و پیگیری سریع و مؤثر در حل اختلافات در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد.

- مشوق‌های عملیاتی: ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری - با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - مانند بخشودگی‌های مالیاتی به‌ویژه در طرح‌های اولویت‌دار کشور ازجمله مواردی است که در



- <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=59757>
- <http://www.transparency.org/>
- <https://amar.org.ir/>

مطابق با آمارها در خصوص خروج سرمایه از مدخل رمزارز در سال ۲۰۲۴، رقمی معادل با ۴ میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار، خروج سرمایه از این طریق رخ داد که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته آن، ۷۰ درصد افزایش داشته است.

منابع

- حیدری، حسن؛ مقدادی، حامد؛ و سحابی، بهرام (۱۴۰۲). بررسی عوامل تعیین‌کننده فرار سرمایه در کشورهای منتخب در حال توسعه. *اقتصاد باثبات*، ۴(۴)، ۵۹-۳۱. DOI: 10.22111/sedj.2023.45591.1342
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۳). گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران. ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
- Cheung, Y. W., Steinkamp, S., & Westermann, F. (2016). China's Capital Flight: Pre-and Post-Crisis Experiences. *International Money and Finance*, 66, 88-112.
- https://alainpersian.com/article/iran-buy-turkey?utm_source=chatgpt.com
- <https://iranbroker.net/news/iranians-flocked-to-crypto-amid-geopolitical-tensions-in-2024/>
- <https://cbi.ir/>

